

مصاحبه با حضرت والا شاهزاده آقاخان

چهل و نهمین امام موروثی مسلمان شیعه امامی اسماعیلی جهان

قدرت خرد

مصاحبه گر: ژان ژاک لافی

منبع: <http://www.simerg.com>

(بهار سال ۲۰۱۰ میلادی، شماره ۱۲۷ مجله سیاست بین الملل)

❖ ژان ژاک لافی:

حضرت والا به عنوان رهبر جماعت‌های اسماعیلی سراسر جهان، شما نفوذی بی‌چون و چرا در صحنه بین‌المللی دارید. اما دوست ندارید که بازیگری سیاسی قلمداد شوید.

❖ والا حضرت آقاخان:

... یا سیاست مدار! از نظر من، هر چند گروه‌های دینی و دولت‌ها باید رابطه مبتنی بر همکاری و احترام متقابل داشته باشند. دین و سیاست دو امر متفاوت هستند.

❖ ژان ژاک لافی:

شما عینیت امامت هستید. پیروان شما، شما را به عنوان «خداوند و صاحب» خود می‌دانند. رهبری شما چه شکلی به خود می‌گیرد؟

❖ والا حضرت آقاخان:

هم در اسلام سنی و هم در اسلام شیعی، امام مسئول کیفیت زندگی کسانی است که انتظار راهنمایی و ارشاد از او را دارند و همچنین مسئول نظارت بر انجام فرائض دینی است. هیچ تمایزی، مانند تفسیرهای مسیحی از دین، میان امور دنیوی و معنوی وجود ندارد. مسئولیت امام هر دوی این زمینه‌ها را پوشش می‌دهد.

بنابراین، نخستین تشویش خاطر او امنیت پیروانش است.
دومین تشویش خاطر او آزادی آنها در عمل به آیین و عقایدشان است.

سوّمین تشویش خاطر او کیفیت زندگی آنهاست. چنان که به آن اشاره کردم تکرار می‌کنم که امامت نهادی است که وظیفه دوگانه آن «تضمین کیفیت زندگی» و «تفسیر دین» است. رهبری دینی امام اسماعیلی ریشه در اسلام شیعی دارد و به زمانی بر می‌گردد که حضرت محمد (ص) دامادش را برای ادامه تعالیم خود در جامعه مسلمان معین کرد. این امامت موروثی است و از طریق ذریه علی (ع) ادامه پیدا می‌کند و اسماعیلیان تنها مسلمانان شیعه‌ای هستند که امامی حیّ و حاضر دارند و من آن امام هستم. شیعیان دیگر (اثنی عشریان) امامی «غایب» را ارج می‌نهند که در آخر الزمان باز خواهد گشت تا در داوری نهایی آدمیان حاضر باشد. این حضور امام حیّ و حاضر است که امامت اسماعیلی را بی‌بدیل می‌کند. اهل سنت وضع کاملاً متفاوتی دارند چون مفهوم استمرار رهبری دینی از طریق اهل بیت پیامبر را قبول ندارند.

❖ ژان ژاک لافی:

پس جامعه شما با حضوری که در جهان دارد در بستر اسلام، جامعه‌ای است یکتا و منحصر به فرد.

❖ والاحضرت آقاخان:

حقیقتاً چنین است؛ چون این جامعه تنها یک امام را به رسمیت می‌شناسند که بر همه اسماعیلیان سراسر جهان ولایت دارد. جماعت‌های اسماعیلی در خاورمیانه، آفریقا، جنوب شرق آسیا، آسیای میانه، کانادا، ایالات متحده آمریکا و اروپا وجود دارند. این تنوع در سنت‌های فرهنگی و زبانی ما و هم چنین تفاوت‌های عمل به مذهب‌مان متجلی است، اما همه اسماعیلیان در به رسمیت شناختن یک امام واحد، متفق اند.

❖ ژان ژاک لافی:

شما مدافع اسلامی انسان‌گرا هستید. واکنش شما به بازتاب‌های خشن بعضی از رهبران سیاسی و دینی در خاورمیانه و عملیات تروریستی که به نام دین شما انجام می‌شود چیست؟

❖ والاحضرت آقاخان:

من شخصاً دانشجوی تاریخ در هاروارد بوده‌ام. و موقعی که می‌بینم دین، مسؤل همه مشکلات انسانی که هیچ کس راه حل‌اش را نمی‌داند قلمداد می‌شود، احساس ناراحتی می‌کنم. وقتی که مردم از «کشمکش تمدن‌ها» سخن می‌گویند پاسخ من این است که در واقع ما با «کشمکش جهالت‌ها» روبرو هستیم. فکر می‌کنم بیشتر تنش‌ها و درگیری‌ها عمدتاً برخاسته از مشکلاتی هستند که ریشه سیاسی دارند. تأکید می‌کنم که بحث بر سر دین نیست؛ بلکه مسئله سیاسی است! در خیلی از موارد، دین چیزی بیش از یک بهانه نیست و حتی بیش از آن، نیروهای سیاسی از دین به مثابه ابزاری برای دستکاری کردن و اعمال نفوذ استفاده می‌کنند.

در نتیجه، مشکلات خاورمیانه یا کشمیر، به دقیق ترین وجهی، مشکلاتی سیاسی هستند؛ اما جنبه افزوده‌ای از این نیز در خود دارند. این تمایل خاص جهان اسلام نیست. کشورهای مسیحی نیز همین تجربه را دارند. کافی است به ایرلند شمالی نگاه کنید.

❖ ژان ژاک لافی:

در سال ۲۰۰۷ شما پنجاهمین سالگرد انتصاب‌تان به عنوان امام اسماعیلیان را جشن گرفتید در طی این دوره، مهمترین موفقیت شما چه بوده است؟

❖ والا حضرت آقاخان:

دوره جنگ سرد مرا با اولین چالش مهم‌ام روبرو کرد. بخشی از جامعه اسماعیلی در جمهوری‌های شوروی زندگی می‌کردند. در نتیجه، اعضای جامعه یا هیچ ارتباطی با امام نداشت یا تماس اندکی با او داشت. در آن دوره، علاوه بر رسیدگی به موضوعات مهم بین‌المللی، به این فکر می‌کردیم که چه موضوعی باید در قبال کشورهای کمونیستی داشته باشیم. این وضعیت، بسیار پیچیده بود. نقش سازمان ما در جهانی که باورهای جزمی کمونیستی رو در روی جزمیت سرمایه داری قرار داشت چه بود؟ و در کنار این، تنشهای داخلی کشورها هم مزید بر علت بود. پس از ده یا بیست سال، توانستیم همه فعالیت‌های مان را همسو کنیم و اطمینان حاصل کنیم که امامت نهادهایی بین‌المللی در اختیار دارد که معتبر، متخصص و ماهر باشند تا توان فعالیت در بسیاری از کشورها را داشته باشند. و کمک موثری به اسماعیلیان سراسر جهان ارائه کنند.

❖ ژان ژاک لافی:

شما از جمله اولین کسانی بودید که اعتبار خرد (قرضه‌های کوچک) را به عنوان ابزاری مالی که مؤثرترین راه حل در توسعه مناطق فقیر بود، معرفی کردید. این فکر از کجا آمد؟

❖ والا حضرت آقاخان:

در اوایل دهه ۶۰ میلادی، ما از این شکاف هولناک آگاه شدیم. من کلمات درشت را به کار می‌برم چون وضعیت واقعاً این ویژگی را داشت که جمعیت‌های شهری و روستایی را در جهان در حال توسعه از هم جدا می‌کرد. جمعیت روستایی بطور کامل در حاشیه قرار داشت! سپس دریافتیم که هم در غرب و هم در جهان در حال توسعه، همه تصمیم‌های مربوط به پشتیبانی از توسعه را سازمان‌های «شهری» می‌گرفتند مقصودم این است که تصمیم‌گیران مطلقاً چیزی از واقعیت زندگی میلیون‌ها مرد، زن و کودکی که تقریباً اصلاً دیده نمی‌شدند و در میان مناطقی وسیع گم شده بودند، نمی‌دانستند. نظام‌های سیاسی کشورها هیچ علاقه‌ای به این جمعیت‌ها نداشتند، و این بخاطر نبودن تمهیدات سرشماری یا نظام انتخاباتی مؤثر و مفید بود. درست پیش چشم خودمان، اکثریت بزرگی از اسماعیلیان که در آفریقا و آسیا زندگی می‌کردند تقریباً به طور کامل از روندهای توسعه کنار گذاشته شده بودند. باید به صراحت بگویم که این کشفی مهمی بود! در آغاز دهه

۱۹۶۰، من روندهای پشتیبانی توسعه مان را به طور کامل تغییر دادم. به این نتیجه رسیده بودم که اولویت ما باید ارائه خدمات و کمکهای مفید و مؤثری به این جمعیت‌های روستایی جهان باشد که منزوی هستند فراموش شده‌اند و هیچ رهبری محلی ندارند و ارتباطی هم با تصمیم‌گیرانی که در شهرهای بزرگ هستند، ندارند.

❖ ژان ژاک لافی:

برنامه‌های اولیه شما چه بودند؟

❖ والاحضرت آقاخان:

اول از همه، باید در زمینه کشاورزی بهبودهایی رخ می‌داد، در نتیجه برنامه‌های پشتیبانی روستایی بنیاد آقاخان پدید آمدند. بالاتر از همه اینها، مهمترین نکته این بود که دسترسی به غذا تضمین شود. باید به یاد داشت که بسیاری از جماعت‌های ما در آستانه قحطی بودند. در منطقه شرق تاجیکستان در دوره جنگ داخلی در اوایل دهه ۹۰، ولی در سوریه و سایر کشورها هم وضع مشابهی وجود داشت. ما به استقرار و تحکیم کشاورزی در مناطقی که این مشکلات را داشتند، کمک کردیم. این واقعیت را انکار نمی‌کنم که این کار در مستعمره‌های سابق کشورهای غربی آسان‌تر انجام می‌شد تا در جمهوری‌های سابق شوروی که فعالیت‌هایی در زمینه توزیع یا فروش محصولات برداشت شده تحت تأثیر نظام کشاورزی جمعی دولتی بود.

آن وقت بود که متوجه پدیده‌ای جالب شدیم. به طور کلی، کشاورزان می‌توانستند محصول افزوده اندکی را چه به صورت روزانه، هفتگی یا ماهانه تولید کنند. این محصولات مازاد به فروش می‌رفتند و پولی که از فروش آنها حاصل می‌شد در زمستان که هیچ محصول کشاورزی وجود نداشت، خرج می‌شد. برای تثبیت و افزایش این ذخیره‌های اندک چه کار می‌شد کرد؟ برای تثبیت آنها، به فکر قرضه‌های کوچک و ایجاد سازمان‌های روستایی افتادیم که حسابهایشان می‌توانست در اختیار عموم باشد. قرضه‌های کوچک متکی بر صداقت قرضه گیرنده است چون هیچ ضمانتی از او طلب نمی‌شود. اما چون حسابها به طور علنی و عمومی هر هفته بررسی و به بحث گذاشته می‌شد، نوعی اخلاق عمومی به شکلی چشمگیر پدیدار شد! مردان ۹۸ درصد قرضه‌شان را پس می‌دادند و زنان ۹۹ درصد قرضه‌شان را. انجمن‌های روستایی تأسیس کردیم و سپس انجمن‌های میان روستایی را درست کردیم.

این گروه‌ها بعداً به بانک‌ها مراجعه می‌کردند و بانک‌ها به آنها پول قرض می‌دادند. این خود آغاز یک نظام حمایتی مالی واقعی بود که همان قرضه‌های کوچک است و اکنون تا این حد شناخته شده است. از آن، پس برنامه بسط پیدا کرده است تا حدی که اکنون بیمه کوچک را هم به عنوان وسیله ضمانت دسترسی به آموزش و مراقبت بهداشتی برای خانواده‌های بزرگ داریم. این جا از ساحة مالی به ساحة مراقبت اجتماعی عبور کرده‌ایم. ما اکنون برنامه‌ای را با همکاری بنیاد گیتس تهیه می‌کنیم و هم اکنون آن را در تانزانیا و پاکستان اجرا می‌کنیم.

◆ ژان ژاک لافی:

شما از رفتار مثال زدنی زنان سخن گفتید و هنوز جایگاه زنان در کشورهای مسلمان اغلب مایه انتقاد در غرب است. رویکرد شما به عنوان امام به این موضوع چیست؟

◆ والا حضرت آقاخان:

باید خیلی مختصر به تاریخ نگاه کنیم، در عربستان پیش از اسلام زنان چیزی بیش از چهارپایان نبودند و در بازار هم چون چهارپایان خرید و فروش می شدند. اولین پیروان اسلام به این نتیجه رسیدند که این وضعیتی عادلانه نیست. در اسلام، مردان باید به زنان احترام بگذارند و زنان هم به مردان احترام بگذارند. اما ما مراقب هستیم که از هرگونه سوء استفاده از آزادی پرهیز شود که ممکن است باعث شود زنان، چنان که در بعضی از مکاتب فکری غربی جاری است، هم چون شیء تلقی شوند. در آینده، حتی ورای جهان اسلام فکر می کنم، این سوء استفاده از آزادی است که به بحثها دامن خواهد زد. در واقع، در بسیاری از مناطق، مردم از اصل آزادی تا حدی دفاع می کنند که آزادی بیشتر شانه به شانه انحطاط، اباحی گری و بی احترامی می زند. در این نقطه است که اسلام می گوید: " نه " و این فقط درباره مشکل رابطه بین زن و مرد نیست. به بحران اقتصادی فعلی نگاه کنید که بر همه ما اثر گذاشته است. ریشه مشکل این است که بعضی از نهادهای مالی، آزادی بیش از حد داشته اند که به شکلی از آن استفاده کرده اند که به آستانه بی اخلاقی رسیده است.

◆ ژان ژاک لافی:

چه افرادی در گذشته و حال، به نظر شما الگوهای اخلاقی را ارائه می کنند؟

◆ والا حضرت آقاخان:

من کلمه «اخلاقی» را به کار نمی برم؛ چون ممکن است باعث سوء تفاهم شود. ترجیح می دهم بگویم «انسان گرا». مردان و زنانی که انسان گرایی قابل تحسینی از خود نشان داده اند چه کسانی هستند؟ در طول زندگی ام همه نوع آدمی دیده ام. از رهبران سیاسی گرفته تا هنرمندان و فیلسوفان. از میان آنها، کسانی را که بر من اثر گذاشته اند و می توانم به آسانی از آنها نام ببرم، پی یر الیوت ترودو، کوفی عنان، فیلیکس اوفوئه بوآنی، جوموتو کنیاتا، که نخستین رئیس جمهور کنیا بود، درک بوک، که ۲۰ سال رئیس هاروارد بود، یویوما نوازنده ویلون سل که پیام آور صلح سازمان ملل شد، هستند. همه این مردان یک ویژگی فوق العاده ای داشتند یا هنوز دارند. توانایی فاصله گرفتن از نظام های ارزشی خود و قرارداد خود در جایگاه مردمی که با آنها سر و کار داشتند. آنها می دانستند که چطور خود را جای کس دیگری بگذارند تا آن شخص را بهتر درک کرده و به او کمک کنند. من این توانایی را عمیقاً می ستایم و سایر استعداد جایگزین ناپذیر متأسفانه بسیار نادر است.

❖ ژان ژاک لافی:

افراد زیادی دوست دارند رئیس جمهور سرگوزی و اوباما را با هم مقایسه کنند. شما درباره آنها چه فکر می‌کنید؟

❖ والاحضرت آقاخان:

قبل از این که این دو نفر به قدرت برسند، به نظر من می‌رسید که مسایل بین المللی از نوعی فلج رنج می‌برند. خوشبختانه این وضعیت تغییر کرده است. این دو رئیس جمهور متعلق به نسلی جوانتر هستند. هر یک مطمئناً واجد عزم یک مرد جوان و اعتماد به نفس کافی به انرژی، تحصیلات و توانایی‌های عقلانی خود هستند که بگویند «می‌خواهم نگاهی تازه به موضوع بکنم» هر دو گشودگی فراوان ذهنی از خود نشان داده‌اند و فکر می‌کنم می‌توان به آنها اعتماد کرد. واقع‌گرایانه نیست اگر بگوییم اینها قرار است هر مشکلی را حل کنند. اما به نظر من، همین که آنها مسایل ممنوعه را نفی می‌کنند و هر نوع انعطافی دارند بسیار مهم است. و در روسیه نیز رهبران جوانی در مصدر امور قرار دارند. در سراسر جهان این تمایل به تغییر پس از سال‌های درازی که بی‌میلی آشکاری برای عقب‌نشینی، خصوصاً بر سر مصیبت جنگ عراق که ماجرای هولناک بود وجود داشت، پدید آمده است این رهبران جوان باید در آغاز صدماتی را که افراد متصدی منصب شان قبل از آنها وارد کرده‌اند، ترمیم کنند.

❖ ژان ژاک لافی:

آیا بازیگران مالی مستقلی مثل بیل گیتس یا جرج سوروس می‌توانند وزنه تعادلی در نهادهایی بین المللی باشند؟

❖ والاحضرت آقاخان:

درگیر شدن این تاجران فوق‌العاده ثروتمند در امر توسعه اتفاقی مبارک است. اول از همه، این باعث می‌شود که جنبه تازه‌ای به کمکهای توسعه افزوده شود که تنها مبتنی بر اعانه نیست بلکه مهمتر از همه مبتنی بر تولید ثروت نیز هست. این امر هم چنین دانش‌های را از بخش خصوصی ارائه می‌کند که دولت‌ها قادر به ارائه آن نیستند. در کشورهای در حال توسعه، شکاف عظیمی در این زمینه هست که باید پر شود. چه در خصوص آموزش، مراقبت‌های بهداشتی یا مسائل مالی هیچ همکاری‌ای در میان بخش‌های خصوصی و عمومی وجود ندارد مدتی پیش، موسسات مالی در بسیاری از کشورها همگی در بخش عمومی قرار داشتند. معنای این سخن این نیست که این مؤسسات ناکارآمد بودند، بلکه مسئله این بود که دولت‌هایی که یکی پس از دیگری می‌آمدند می‌توانستند آنها را به بازی بگیرند و در آنها دستکاری کنند. مثلاً، در خصوص آموزش دهه ۷۰ را بیاد بیاورید. در آن زمان، بعضی از دولتها، در آفریقا، آسیا و خاورمیانه، سعی می‌کردند که یک اتحاد ملی مصنوعی را با تقویت آموزش زبانهای ایجاد کنند که هیچ کس خارج از آن کشورها قادر به تکلم به آن نبود. این ملی‌گرایی زبان پیامدهای تأسف باری در سطح بین‌المللی داشت.

مثلاً، داشتن مدرکی در پزشکی از پاکستان به زبان اردو، خارج از پاکستان هیچ ارزشی نداشت و خود، کاری عبث بود.

❖ ژان ژاک لافی:

پس بیاید دربارهٔ پاکستان حرف بزنیم. شما چه درکی از این کشور دارید که حیات سیاسی اش نوسانی بوده است میان دولتهای نظامی و دوره هایی که می توان آن را دموکراسی نامید و اکنون خود تبدیل به آشیانه ای برای اسلام گرایی تندرو شده است؟

❖ والاحضرت آقاخان:

پاکستان کشوری است که دشواری های عظیم آن به لحظه شکل گیری اش در سال ۱۹۴۷ باز میگردد. چنانکه می دانید، کشمیر بخشی از قلمرو پاکستان است که هنوز تا امروز محل نزاع باقی مانده است. علاوه براین، دولت در اسلام آباد نتوانسته است اقتدارش را در شمال و شمال غربی کشور تثبیت کند. در وضعیتی شبیه این، بی ثباتی امری ساختاری به نظر می رسد.

دومین مشکل بزرگ پاکستان به جنبش استقلال باز می گردد که ملتی را براین مبنا ایجاد کرد که بخش خاصی از جمعیتش مسلمان بودند. اما در این مناطق، دین خود امری کثرت گرا بود که معنایش این بود که از همان آغاز درست همان چیزی که این ملت را به هم پیوند می دهد بذر های اختلاف و جدایی را نیز افکنده بود. نکته تناقض آمیز اینکه این شکافها را سیاست اسلامی سازی ضیاء الحق بیشتر کرد من برای این مرد احترام زیادی قائل بودم. او فردی عمیقاً متدین و آبرو مند بود اما الهیات نمی دانست.

او کوشش کرد که پاکستان را از آنچه هست اسلامی تر کند اما در پاسخ به یک پرسش اساسی ناکام ماند. چه نوع اسلامی را مد نظر داشت؟ هیچ کس هرگز این سؤال را نپرسید. در نتیجه، اهل سنت یک راه را رفتند و شیعیان راهی دیگر را و سپس مشکل افغانستان در سال ۱۹۷۹ پیش آمد. من با ضیاء الحق رابطه ای داشتم که شاید بتوانم آن را رابطه «ویژه» بنامم. فراموش نکرده ام که او به ما در تأسیس دانشگاه مان «دانشگاه آقاخان در کراچی» کمک کرد. در آخرین دیداری که پیش از وفاتش در سال ۱۹۸۸ داشتیم، او اذعان کرد که خطا کرده است. او به من گفت «فکر می کنم در کوشش برای تبدیل کردن پاکستان به کشوری مسلمان تر اشتباه کرده ام، چون باعث اختلافات درونی بیشتر از حد انتظار ما شد» او فردی بسیار صادق بود.

❖ ژان ژاک لافی:

همین حالا از افغانستان یاد کردید. رخدادهای افغانستان چه تأثیری بر پاکستان داشت؟

❖ والا حضرت آقاخان:

پس از این که اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۹ (میلادی) به این کشور حمله کرد، رهبران غربی با خودشان فکر کردند: «ما روس‌ها را با مداخله مستقیم بیرون نخواهیم راند؛ بهتر است پاکستانی‌ها را بسیج کنیم.» پاکستان به نوبه خود افراطی‌ترین سنی‌ها را فراخواند. نتیجه: گروه‌های به شدت تندروی بودند که وارد افغانستان شدند، که یک دولت ملی نبود بلکه صرفاً جایی بود که گروه‌های قومی، قبایل و افکار دینی مختلف گرد هم آمده بودند. این اسلام‌گرایان تمام منطقه از جمله پاکستان را به اشغال خود درآوردند. در نتیجه، پاکستان هزینه جانب‌داری از غرب را در این جنگ بی‌پایان پرداخت. در چنین بستری، حاکمان نظامی به نظر می‌رسید که مایه ثبات هستند. اما در پاکستان همچون سایر کشورهای آسیا و آفریقا، در عین این که اقتدار ارتش (اردو) به طور کلی ضامن استقلال و ثبات بود، دشواری‌های قابل ملاحظه‌ای مانع از این شد که دولت‌ها بتوانند به یک دموکراسی موفق تبدیل شوند.

❖ ژان ژاک لافی:

هنوز که درباره همین موضوع صحبت می‌کنیم، شما درباره مفهوم «دموکراسی صادراتی» که رئیس جمهور سابق آمریکا جورج بوش، پیشنهاد کرده بود، چه فکر می‌کنید؟

❖ والا حضرت آقاخان:

فکر می‌کنم موضع جورج بوش درباره دموکراسی صرفاً نتیجه میل او به توجیه کردن حمله به عراق پس از این رخداد بود. اما اگر از مورد عراق عبور کنیم، نکته مهم این است که بفهمیم چرا در این زمان و در کشورهای بسیاری، به ویژه کشورهای در حال توسعه، دموکراسی این اندازه شکننده است. چنان که من ماجرا را می‌بینم، یکی از توضیح‌های اصلی این است که این وضعیت حاصل ضعف آن چیزی است که من «قانون‌گرایی» می‌نامم. در واقع، اکثریت بزرگی از کشورهایی که می‌شناسم با قانون‌های اساسی ناکارآمد زندگی می‌کنند که در مقاطع گذار تاریخی «پس از استقلال یا براندازی یک رژیم» پدید آمده‌اند و مبتنی بر سازش‌هایی نسنجیده هستند و اغلب در پی جلب رضایت یک قبیله، یک اقلیت یا یک گروه دینی هستند... امروزه، بسیاری از دولت‌ها امکان بازنگری در قانون اساسی خود را بررسی می‌کنند. ببینید در کشورهایی در جنوب و حتی شرق اروپا وضع چگونه است. فوق العاده است!

❖ ژان ژاک لافی:

آیا شما فکر می کنید که در افغانستان این امکان وجود خواهد داشت تا حکومت و نهادهای نظامی، علیرغم همه مشکلاتی که کشور با آن مواجه است، روی کار آید؟

❖ والا حضرت آقاخان:

در افغانستان نیز مانند عراق، با وجود سالها کوشش، امکان ایجاد یک ارتش یا نیروی پلیس محلی تا آن حد که بتواند امنیت مؤثری را تضمین کنند وجود نداشته است. برای رسیدن به ثبات دراز مدت در این کشورها، نیروهای غربی باید مدتی دراز در آنجا باقی بمانند. تحت شرایط فعلی، ایجاد یک نیروی پلیس ملی افغان که مؤثر عمل کند، فوق العاده دشوار است. فرض کنید من یک شیعه هزاره باشم در میان سایر افرادی که از میان قوم پشتون استخدام شده‌اند و اینها کسانی هستند که برادر مرا به قتل رسانده‌اند. تنها راه حل این است که اجازه بدهیم زمان کار خودش را بکند. این مطمئناً به این معنا نیست که من از دیدگاهی تقدیرگرا در این وضعیت پشتیبانی می‌کنم. من معتقدم که باید از این آشوبهای سیاسی جلوگیری کنیم و سعی کنیم آنها را با استفاده از ابزارهای سیاسی حل کنیم. هر چه با ابزارهای صرفاً سیاسی به نتایج بیشتری برسیم، موفقیت بیشتری در جدا کردن عقاید صرفاً غیرسیاسی و دینی در هم جوش سیاسی، دینی‌ای که گروه‌ها و جنبش‌های تندرو تبلیغ می‌کنند، خواهیم داشت. گاهی مردم کاملاً به درستی از سه کشور سخن می‌گویند که هر کدام به نوعی دولتهای مذهبی داشتند یعنی ایران، اسرائیل و عربستان سعودی. اگر این کشورها تغییر کنند، جهانی متفاوت خواهیم داشت. جسارت می‌کنم و می‌گویم که سیاست را باید به سیاست مداران وا گذاشت و کارهای خدایی را به خداوند.

❖ ژان ژاک لافی:

آیا قانون اساسی اسرائیل، که اجازه شکل‌گیری اکثریت‌های مشخص و پایدار را نمی‌دهد، نیز مانع دستیابی به صلحی پایدار میان دولت یهودی و همسایگان‌اش است؟

❖ والا حضرت آقاخان:

من جزئیات قانون اساسی اسرائیل را خوب نمی‌دانم. اما، چنان که به شما گفتم، شکی نیست که مشکل قانون‌های اساسی ناکارآمد پربرسامدترین منشاء بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای زیادی است.

❖ ژان ژاک لافی:

اسرائیل برای رسیدن صلحی پایدار چه باید بکند؟

❖ والا حضرت آقاخان:

من هیچ وقت نخواستهم وارد این بحث شوم، ولی معتقدم که یک ضرورت بنیادین وجود دارد؛ یک دولت پایدار فلسطینی. علاوه بر این، این را هم می‌گویم که باعث تعجب شما می‌شود که تا جایی که به من

مربوط است، یکی از شرط‌های صلح، پذیرفته شدن اسرائیل از سوی اقلیت شیعه‌ای است که در جهان اسلام وجود دارد. عراق اکثریتی شیعه دارد، بحرین هم، و همیشه شیعیان زیادی در لبنان بوده‌اند. فراموش نکنید که بشار اسد نیز خود شیعه است. این کلیدی اساسی است که رئیس جمهور سرکوزی خیلی خوب آن را درک می‌کند. توافق با کشورهای سنی خوب است ولی کافی نیست.

❖ ژان ژاک لافی:

شما تحولات فعلی ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟

❖ والاحضرت آقاخان:

جهتی که ایران در آن حرکت می‌کند برای کل جهان، از جمله برای کشورهای شیعه، بسیار نگران کننده است. به نظر من، علت اصلی انقلاب در ایران، سوء مدیریت تأسف بار اقتصاد در رژیم شاه بود. اسباب تأسف است که بگویم از میان همه دولتمردانی که شناخته‌ام، او بدترین درک را از مسایل اقتصادی داشت یا مشاوران بدی داشت. این بی‌لیاقتی منجر به پدید آمدن فزاینده مقاومت‌هایی در جاهای مختلف کشور شد. خمینی باید برای تغییر مسیر بنیادین تاریخ در همین لحظه از راه می‌رسید. من شیعه هستم و وقتی سخنرانی‌های او را شنیدم با خود فکر کردم که هیچ شیعه‌ای در کره زمین نیست که با موعظه‌های او تحت تأثیر قرار نگیرد.

❖ ژان ژاک لافی:

این جا به بحث انرژی هسته‌ای می‌رسیم که همیشه خیلی نگران کننده است. آیا همه کشورها باید اجازه دسترسی به انرژی هسته‌ای را برای مقاصد غیر نظامی داشته باشند؟

❖ والاحضرت آقاخان:

به نظر من قوانین عدم تکثیر اکنون برای همه انواع فناوری‌های هسته‌ای چه نظامی و چه غیر نظامی اعمال می‌شود. در واقع شرط فروش انرژی هسته‌ای غیر نظامی درست مانند نوعی استعمار فناوری است، تا حدی که پیشرفته‌ترین کشورها این را نشان می‌دهد که همه «کلیدها» در دست‌ان آنهاست. از این منظر، ما راه درازی تا دموکراتیزه شدن انرژی هسته‌ای داریم. شاید من ساده لوح‌ام ولی از رهیافت دیگری حمایت می‌کنم که آن را «تکثیر مثبت» می‌نامم.

من مدافع توزیع گسترده نیروی هسته‌ای غیر نظامی هستم. البته، باید به دقت فکر کرد که این تکثیر مثبت تحت چه شرایطی باید عمل کند. چطور از مشکلات زیست محیطی پرهیز کند. چطور مانع از سوء استفاده از نیروهای هسته‌ای غیر نظامی برای مقاصد نظامی شود. چنان که می‌دانید، من تاریخ خوانده‌ام و هیچ وقت ممکن نبوده که جلوی هیچ پیشرفت جهانی مهم علمی را بگیرند. تکثیر مثبتی که من عمیقاً دوست دارم رخ بدهد مبتنی بر یک اصل ساده است:

«به انرژی جواب مثبت بدهید و به سلاح پاسخ منفی.»

◆ ژان ژاک لافی:

رویکرد مبهم ایران را به این مسئله چطور می بینید؟

◆ والا حضرت آقاخان:

سیاست فعلی ایران در این موضوع باعث نگرانی جهان اهل سنت است. اگر تهران بتواند به سلاح‌های هسته‌ای دست پیدا کند، بعضی از دولتهای منطقه ممکن است به همان سادگی، شاید به کمک غرب، خود را مجهز به بمب کنند. فضا سنگین است و حتی مملو از سوء ظن همه دشمن پنداری. اما، از طریق آژانس بین المللی انرژی اتمی، مهم است که همکاری سازنده‌ایی با مقامات ایرانی بر سر این موضوع ایجاد شده و ادامه پیدا کند. ایران می تواند در از بین بردن استفاده تسلیحاتی از انرژی هسته‌ای در سراسر جهان ایفای نقش کند! این چیزی است که من چندین سال پیش به ایرانی‌ها گفتم: «تاریخ شما، تاریخ یک ملت عقلانی هزاران ساله است که همه غنای فرهنگ و اندیشه‌های فلسفی خود را به اسلام هدیه داده است. همین راه را که حقیقتاً راه خود شماست بروید و جهان به خاطر آن از شما سپاسگزار خواهد بود.»

پایان مصاحبه



آدرس دقیق وب سایت که مصاحبه به زبان انگلیسی در آن موجود است:

<http://simerg.com/about/voices-%E9%80%2Cthe-power-of-wisdom%E9%80%2D-%E9%80%2Fhis-highness-the-aga-khan%E9%80%2F-interview-with-politique-internationale/>

تنظیم، ویرایش، صفحه آرایی و تطبیق با منبع اصلی مصاحبه:

فریدالدین عرفانی